

□ اصغر یوسفی نژاد

(۱)

مضمون، «قرار گرفتن یک شخص در جایگاه و موقعیت سینیتا استوارت استفاده کرده است و اثرش از بار پژوهشی نیز برخوردار است، گویا چند سال پیش در دریافت تصویب‌نامه برای اثرش ناکام مانده است. در حالی که اخیراً فیلم ساغر با دستمایه‌ای مشابه و فیلم دیگری با نام مرد عوضی که از همین سوژه بهره برده است و دارای لحنی کمدی است، امکان ساخت و نمایش پیدا کرده‌اند.

(۲)

نویسنده فیلمنامه شوکا اولین گام برای نوشتن فیلمنامه‌ای را با هوشمندی برمی‌دارد. او با افشاء نکردن علت اصلی حادثه فیلمنامه - یعنی پیوند مغز - تعلیقی مستمر را به کل اثر تزریق می‌کند. خواننده برای وقوف بر کنش کاملاً غیرطبیعی شخصیت اصلی که ریشه در عاملی نامعمول دارد، مشتاقانه اثر را دنبال می‌کند. در عین حال برای اینکه آتش اشتیاق او به سردی نگراید، اشارات مهمی نیز به ریشه اصلی قضیه می‌شود. مثلاً تصاویر گنگی که از حالات مختلف شهریار و رابطه معنوی او با شوکا - کسی که مغز او اینک وجود آرمیتا را به تحرک وامی‌دارد - نشان داده می‌شود و نیز این اشاره مختصر که حالات فعلی آرمیتا با توافق شوهرش مهرداد شادمان بوده است، از آن جمله‌اند. اما جذاب‌تر از این روشهای فنی، موقعیت ذاتاً پیچیده شخصیت اصلی است که بهرحال عناصر لازم را برای استحکام نمایشی فیلمنامه در خود دارد. آرمیتا که به دلیل داشتن تومور مغزی قادر به ادامه حیات نیست، طی عمل جراحی تاکنون تجربه نشده‌ای، از طریق پیوند مغز سالم شخص مرده‌ای - با روحیاتو افکار و کنش‌های متفاوت - دوباره به آغوش زندگی بازمی‌گردد. بدین ترتیب اولین پیچیدگی در شخصیت او خلق می‌شود. اما او در بازخوانی اطلاعات موجود در مغز متعلق به شوکا دچار مشکل است. یعنی او برخلاف ادعای اطرفیانی که اصل قضیه را از او مخفی می‌کنند و سعی دارند عارضه مغزی آرمیتا را فراموشی موقت گذشته خودش معرفی کنند، در واقع گذشته شوکا را چندان به خاطر نمی‌آورد. بازخوانی خاطرات ذهنی شوکا در وجود آرمیتا هم به تدریج با قرار گرفتن در موقعیتهای مکانی مختلف نظیر امامزاده، دانشکده، کارگاه نقاشی، مسافرخانه و امثالهم امکانپذیر می‌شود. اینهمه در حالی اتفاق می‌افتد که آرمیتا / شوکا هنوز پی به فاجعه‌ای که در موردش رخ داده نبرده است. خب طبیعی است که وقتی مشکل آرمیتا / شوکا فراموشی موقت نیست، بنابراین تداعی‌های ذهنی بر اساس مکان، بهتر از راه حل گذشت زمان مؤثر واقع شود. عنصر سومی هم به پیچیده‌تر شدن شخصیت آرمیتا / شوکا کمک می‌کند و اصرار اطرفیانش مبنی بر تلقین گذشته آرمیتا به مغز آرمیتا / شوکا است. نویسنده فیلمنامه برای ورود به مرحله گشایی، ابتدا سعی می‌کند این عنصر را از سر راه بردارد. اما متأسفانه برای این منظور از دم دست‌ترین روش موجود بهره می‌برد. یعنی به بهانه درگیری نه چندان منطقی و دلخوری مختصری آرمیتا / شوکا را از جمع خانواده آرمیتا

فردی دیگر، برای هنرمندان و همچنین مخاطبان آنها بسیار وسوسه‌انگیز و جذاب است. در سیما نیز نمونه‌های فراوانی از بکارگیری این موضوع به چشم می‌خورد. هر فیلساز تلاش کرده است که این دستمایه را به شکلی نو و با هدفی معین به کار گیرد. شاید ساده‌ترین شکل پرداختن به این موضوع همان روشی باشد که در داستان شاهزاده و گدا مورد استفاده قرار گرفته است. در فیلمهایی که بر اساس این داستان و یا با الهام از آن ساخته شده‌اند، با استفاده از تشابه ظاهری دو شخصیت و تعویض موقعیت آنها، موضوعاتی نظیر اختلاف طبقاتی و یا کشف هویت مورد توجه قرار گرفته است. طبیعی‌ترین شکل تشابه دو انسان از نظر ظاهر، موقعی است که آنها دوقلو باشند. علاوه بر فیلمهای کثیری که در سینمای جهان براساس موقعیت افراد دوقلو خلق شده‌اند، تاریخ سینمای ایران هم شاهد ساخت فیلمهای زیادی در این باره است. از نمونه‌های اخیر و نسبتاً موفق این نوع فیلمها، آثاری چون شاید وقتی دیگر، دو نیمه سیب، خواهران غریب و همچنین مجموعه تلویزیونی تصویر یک رویا قابل اشاره‌اند.



شوکا

شبه‌های شبیه‌زاده

نویسنده: شهاب شهزاد - ناشر: انتشارات مرکز فرهنگ و هنر سپیده تابان - چاپ اول: بهار ۱۳۷۷ - شمارگان:

۲۵۰۰ نسخه - ۱۰۹ صفحه - ۵۵۰۰ ریال

وجود یک همزاد برای انسانها - که در برخی افسانه‌ها مورد تأکید قرار می‌گیرد - بهانه دیگری است تا سینما بتواند دو جلوه متفاوت از یک شخصیت را به تصویر بکشد. همینطور روشهای خاصی هم برای تغییر موقعیت دو فرد متفاوت در سینما ابداع شده است که فیلم تغییر چهره یکی از جدیدترین آنهاست. اما جالبتر از همه اینها موقعی است که این دو جلوه شخصیتی متفاوت در وجود یک فرد به ظهور برسد. زیرا چنین حالتی امکان قیاس بین اوج و فرودهای شخصیتی انسانها را از نظر هویت و مسائل

روانشناختی، بهتر فراهم می‌کند. داستان معروف دکتر چکیل و آقای هاید و آثار سینمایی مختلفی که بر اساس آن ساخته شده‌اند، شاید کلاسیک‌ترین شکل اجرای چنین ایده‌ای باشد. علاوه بر این روش که از زمینه‌های علمی و خیالی بهره می‌برد، خرافات و مسائل موهوم نیز مانند حلول روح خبیث در وجود یک فرد، بستر مساعدی را برای این سوژه می‌آفریند. فیلمهایی نظیر جن‌گیر، طالع نحس و بیگانه‌ها از نمونه‌های شاخص در این زمینه هستند. پرداختن به چنین موضوع‌هایی در سینمای ایران، بدلی تضادهای آشکار روش‌های طرح آن با مسائل اعتقادی جامعه، شاید چندان مقدور نباشد. اما میل به بهره‌گرفتن از چنین موضوعی در بین فیلمسازان ایرانی از بین نرفته است. چرا که این موضوع بستر فراخی را برای طرح مسائل پیچیده و عمیق در سینما فراهم می‌آورد. راه‌حلی که فیلمسازان ایرانی برای رفع این مانع تدارک دیده‌اند، افزودن بار علمی به این قضیه است. بنابراین با بهانه قرار دادن نظریه یک پرفسور آلمانی در مورد امکان پیوند مغز، محتاطانه به این حريم ناامن پا می‌گذارند. اولین نمونه‌ای که از اعمال چنین راه‌حلی در دست فیلمنامه شوکا نوشته شهاب شهزاد است که در سال ۱۳۷۲ نوشته شده است. نویسنده فیلمنامه که در آن از طرحهای خاطره موقی و دور می‌کند. نجسب‌تر از این قضیه خبر ازدواج مجدد شادمان است تا به واسطه آن همه تعلقات آرمیتا از دنیای قبلی‌اش قطع گردد. در حالی که در متن فیلمنامه بستر مساعدی برای منطقی به نظر رسیدن این قضیه تدارک دیده نشده است.

(۳)

در انتهای فیلمنامه، آرمیتا / شوکا، هویت شوکا را - که مورد توجه و تأیید نویسندگان نیز هست - می‌پذیرد و به سراغ مادر بزرگ نابینایی که فارغ از نشانه‌های ظاهری با او زوچرو می‌شود، می‌رود. اما آیا می‌توان پذیرفت که تمام هویت شوکا در مغز او انباشته شده بود تا با انتقال آن به جسم هر کس دیگر، آن شخص تبدیل به شوکا شود؟ آیا غیر از مغز هیچ عضو یا عامل دیگری در شکل‌گیری روحیات، فعالیت‌ها و اندیشه‌های انسان مؤثر نیست؟

اما نویسندگان فیلمنامه در بیان تفاوت‌های ماهری دو شخصیت هم به مسائل چندان عمیقی نمی‌پردازد. او این اختلاف‌ها را معمولاً در سطح مسائل طبقاتی، نحوه دکوراسیون منزل، اهل جنوب یا شمال کشور بودن مطرح می‌کند و اشاره‌های مختصری هم به مسائل روحی و روانی مانند علاقه به رنگ قرمز یا آبی و ادبیات یا ریاضی و حتی چای ولرم یا یلبسوز می‌کند. تفاوت نوع خط، حساسیت به استفاده از واژه‌های بیگانه، نحوه مخاطب ساختن دیگران، سایر مسائلی هستند که برای تأکید بر اختلافات این دو شخصیت مورد توجه نویسنده بوده‌اند. شاید عمیق‌ترین اختلافی که به لحاظ روحی در مورد این دو نفر وجود دارد، سرزنده و پرسروصدا بودن آرمیتا و ساکت و درونگرا بودن شوکا باشد. با اینحال نکته قابل تأملی در طول فیلمنامه و در انتهای آن وجود دارد که اشاره نویسنده به آن تکانه‌دهنده است: موجودی که از ترکیب مغز شوکا و جسم و روح آرمیتا فراهم آمده، نه شوکاست و نه آرمیتا. بلکه قربانی‌ای است که ثمره استفاده از انسان به مثابه یک موش آزمایشگاهی است. به نظر می‌رسد که دستمایه بدیع داستان شوکا، توان بالقوه طرح مسائل عمیق انسانی و آشنایی وسیعتر با هویت و روح و روان انسانها را بیشتر از این حد درخود دارد.

صد خاطره، صد هنرمند

مجموعه‌ای از بهترین خاطرات و عکس‌های:

خسرو شکیبایی، جمشید مشایخی، عزت‌الله انتظامی، پرویز پرستویی، علی حاتمی، مسعود کیمیایی، ایرج قادری، عباس کیارستمی، بهزاد فراهانی، بهرام بیضایی، علی نصیریان، محمدعلی کشاورز، شهلا ریاحی، نیکو خردمند، پرویز پورحسینی، علیرضا خمسه، بهروز افخمی، ماهایا پطروسیان، نیکی کریمی، محبوبه بیات، مهدی هاشمی، ابوالفضل پورعرب، رامین پرچمی، داریوش ارجمند، پوران درخشنده، مهشید افشارزاده، جهانگیر الماسی، سیروس الوند، ارژنگ امیرفضلی، جمشید هاشمپور، فاطمه معتمدآریا، علی مصطفی، محسن مخملباف، فرامرز قریبیان، ثریا قاسمی، اکبر عبدی، امین زندگانی، لیلی رشیدی، عاطفه رضوی، ابراهیم حاتمی‌کیا و ۱۶۰ هنرمند دیگر.



ویژه‌نامه سینمای هند

- با مجموعه‌ای از عکسها و مطالب خواندنی درباره سینمای هند
- گفتگو با شاهرخ‌خان، شیشی کاپور، ام پوری، سانجی دات، امیرجان و ...
- سینمای هند از آغاز تا امروز، کاتگسترها در سینمای هند و ...

چگونگی دریافت ویژه‌نامه‌ها:

علاقتمند برای دریافت مجموعه صدخاطره ۱ و ۲ و سینمای هند می‌توانند با ارسال فرم درخواست (فتوکپی قابل قبول است) و پرداخت مبلغ ۵۰۰۰ ریال برای هر ویژه‌نامه به حساب شماره ۲۹۸۹۵/۴ بنام علی حسین فرخی بانک ملت شعبه مستقل مرکزی (قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملت) اقدام نمایند.

آدرس: تهران - صندوق پستی ۵۷۷۸ - ۱۴۱۵۵ - ماهنامه سینما تئاتر - تلفن ۷۵۲۱۲۶۹

فرم درخواست ویژه‌نامه‌های سینما تئاتر

اینجانب

به نشانی

شماره تلفن

با ارسال فیش بانکی شماره

مایل هستم تعداد جلد از مجموعه صدخاطره (۱) مجموعه صدخاطره (۲)

ویژه‌نامه سینمای هند را دریافت نمایم

